

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ رباع

۱۵ خرداد، روز تجلی اراده مردم ایران

برضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع با شکوه فراوان برگزار شد

مراسم ۱۵ خرداد، بزرگترین تظاهر ضد امپریالیستی پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع بود

خود از شور و آگاهی انقلابی مردم خبر میدهند و از آن نیروی عظیم، که آماده دردم کوبیدن ارتجاع و امپریالیسم است. یکی از خیر نگاران مردم، می نویسد، «هم از دروازه غار همراه صف طویل مردان و زنان رنج دیده، حرکت کرد. دروازه غار در زمان شاه مخلوع، مظهر بقیه در صفحه ۳

گرامی داشت و عزم خود را برای ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، در میهن ما، زیر رهبری امام خمینی اعلام کرد. خیر نگاران و گزارشگران مردم، که از نقطه همراه صفوف به پیش قدم مردم راه پیمایی کرده اند، در اخبار و گزارش های

صهیونیسم و ارتجاع به گوش جهانیان رسید. ۱۶ سال پیش، روز پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، میدان توپخانه یکی از کشتارگاه های شاه جانی بود. امسال، خلق قهرمان ایران، که رژیم خونخوار آریاموری را سرنگون کرده، در چنین روزی، یاد شهدای پانزدهم خرداد را

توپخانه، بار دیگر درخشم و غرورش میابونی توده ها بیدار شد، و میدان قدیمی، که ۱۶ سال پیش جلادان شاه مخلوع در آن خون عزیزان رزمنده را بر بستر داغ خیابان ریخته بودند تا رژیم را نجات دهند، به ستاد نیروی میدل شد که از آن فریاد طوفانی خلق علیه امپریالیسم و



کوشه ای از تظاهرات توده ها به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد

امام خمینی زحمتکشان را صاحب

انقلاب دانست

چيست. ببينيد زندگي اين کشاورز چيست. براي اينها فکر کنيد. امام در دنباله سخنان خود طبقات پائين اجتماع را صاحب حقوق بشر دانست و گفت: «آنها که دلشان برای مستمندان، و برای بشر میسوزد، همین زن های اطراف شهر قم و زن های جنوب تهران و زن های جنوب همه شهرستان ها بودند، جنوب به آن معنا که شما می گوئيد. از طبقه بقیه در صفحه ۴

شما مثل قشر زحمتکش قیام کننده ایران حقوق بشر را اجرا کنید، زیرا اینها جمعیت حقوق بشر هستند...» این کارگرا، این دهقانها جمعیت حقوق بشر و حقوقدان هستند، اینها عمل می کنند و شما فقط می نویسید. می گوئید و میخواهید نهفت را منحرف کنید. امام افزود: «ببینید زندگي این طبقه کارگر چگونه است. ببینید زندگي این کاسب

امام خمینی دریامی که به مناسبت پانزدهم خرداد فرستاد، زحمتکشان را صاحب انقلاب ایران دانست و از همه گروه های اجتماع خواست که باهم متحد شوند. امام خمینی در بخشی از سخنان خود گفت: «هرچه هست این قشر پائین است. این قشر کارگر، این قشر کشاورز، این قشر تاجر مسلم و کاسب مسلم است. این روحانی متعهد است، هرچه هست از این قشر است.» امام در بخش دیگری از سخنان خود از حقوقدانان و جمعیت حقوق بشر ایران خواست که دنبال حقوقدانان غربی نروند و گفت:

رویدادهای ایران

- ۱- خلیج فارس در واقع هم خلیج امریکا بود
 - ۲- ادامه کار دادگاههای انقلاب چرا باید مختل شود؟
 - ۳- یکبار دیگر مشت جاعلین تاریخ حزب توده ایران باز شد. مشروح خبرها در صفحه ۲
- مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران فلان هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود
- نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۷، تهرن، ۹۳۳۳۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

جبهه ها آشکار تر میشود!

در افق سیاسی ایران، همراه با لایه بندی های جدید اجتماعی، دو خط مشی مشخص سرعت شکل رشتنری می گیرد و در عین حال مبارزه و مقابله این دو مشی تشدید میشود. یکی از این دو مشی، که ما آنرا دموکراسی انقلابی می نامیم، مبارزه با امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم امریکا را هدف اصلی خود قرار داده و با تفتیب عمال امپریالیسم و ارتجاع، از طریق کمیته ها و پانصداران و محاکمه اشان در دادگاههای انقلاب، قصد ریشه کن کردن امپریالیسم را دارد، تا از این طریق بتواند جامعه ای را بنا کند که در آن نقش اساسی برعهده توده ها، یا به بیان امام خمینی مستضعفین باشد. چنانکه دیده میشود، امام خمینی بطور کلی متعکس کننده این خط مشی است. خط مشی دوم، که همان مشی سیاسی بورژوازی لیبرال است، ظاهراً آزادی های دموکراتیک را محور مبارزه خود قرار داده ولی در واقع قصد احیاء سرمایه داری وابسته را در ایران دارد. بورژوازی لیبرال، از آن رو در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کرد که الیگارشی خانواده پهلوی و اطرافانش، با آن آمیختگی وسیعی با امپریالیسم، که در استبداد بسیار خشن منعکس میشد، راه را بر فعالیت های اقتصادی و سیاسی بورژوازی لیبرال نیز بسته بود. بعد از پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال، که تا لحظه انقلاب متحد صفوف خلق بود، انقلاب را پایان یافته تلقی کرد و تلاش را برای در دست گرفتن قدرت آغاز نمود. بورژوازی لیبرال، چنانکه امام خمینی اخیراً از مذاکرات نمایندگان آنها و خواستهایشان در پاریس پرده برداشته است، نه تنها موضع ضد امپریالیستی ندارد، بلکه غرب «دیپلماتیک» را به رسمیت می شناسد و خواستار حفظ و گسترش روابط با آن است. بعد از دردم شکستن مواضع سرمایه داری بزرگ و وابسته توسط انقلاب، بورژوازی لیبرال میخواهد این مواضع دردم شکسته را ترمیم کند و این بار خود، ایران را در جاده سرمایه داری هدایت کند. درست بخاطر همین موضع طبقاتی است که بورژوازی لیبرال قصد متوقف کردن انقلاب را دارد و کلمه مستضعفین را هم توهم تلقی می کند. اکنون چشم امید امپریالیستهای غربی، بعنوان «حداقل مطلوب» به بورژوازی لیبرال بسته شده. امپریالیسم میکوشد با تضعیف موضع امام خمینی، موضع بورژوازی لیبرال را تقویت کند. بورژوازی لیبرال هم سهیم خود، با کوشش برای از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم، سعی در جلب توجه و پشتیبانی بیشتر آنرا دارد. مقابله این دو خط مشی، بعد از آنکه امام خمینی بدنبال یک بقیه در صفحه ۴

امپریالیسم و ارتجاع محرک رویدادهای خونین خوزستان اند

تا عمل امپریالیسم، صهیونیسم، ساواکیها و بازماندگان رژیم پهلوی سرکوب نشوند، آرامش واقعی برقرار نخواهد شد. تا خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلق عرب، در چار چوب حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران، تأمین نگردد، زمینه برای توطئه و تحریک وجود خواهد داشت. آیا رویدادهای خونین خرمشهر و آبادان پایان یافته است؟ فعلاً گویا چنین است و آرامشی نسبی در این زمین بسیار حساس و درخیز میهن محاکمه فرماست. ولی آیا این آرامش به معنای پایان ماجراست؟ باید بهوش بود و دانست که ناریشه های مسئله ای چنین مهم از این گذشته، هر آن امکان انجام توطئه و خونریزی

دوباره و چندباره هست. و این مسئله ای نیست که بتوان از کنار آن با دفع الوقت گذشت. صحبت بر سر نوشت انقلاب ماست، بر سر تمامیت ارضی میهن ماست، صحبت بر سر حقوق حقه یکی از محرومترین و رنج دیده ترین خلفای ایران، یعنی خلق بقیه در صفحه ۵

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

حق بار رئیس ستاد است

تیمسار سرلشکر فرید، رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی بیانیی که ۱۲ خرداد در جمع پرسنل ارتش در پادگان لویزان ایراد داشت، به مطلب بسیار مهم و بسیار جالب توجه اشاره کرد. وی گفت: «هنوز بنا رسنا ننگته‌اند که ما غیر متعهد هستیم. این فقط استنباط هست، هنوز برای ما چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست.»

گفته رئیس ستاد واقعیتی است نه فقط اسفناک، بلکه مایه نگرانی جدی، نگرانی نسبت به دو مسئله، که هر دو برای انقلاب ایران و آینده آن حیاتی هستند و عبارتند از: اولاً اساس و ستمگیری سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران و ثانیاً اساس و سمت و مسیر نو سازی ارتش.

درباره مسئله نخستین باید گفت: اینکه برای مقامی نظیر ریاست ستاد کل ارتش چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست، بدلیل اینستکه برپایه و بگوئیم... سیاست خارجی دولت در پیمانی دفاع از استقلال کامل ایران برپایه است. چون متأسفانه این سیاست خارجی دارای قاطعیت ضد امپریالیستی نیست و این نمیتواند مانده گذشته

اینکه برای مقامی نظیر ریاست ستاد کل ارتش چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست، بدلیل اینستکه برپایه و بگوئیم... سیاست خارجی دولت در پیمانی دفاع از استقلال کامل ایران برپایه است. چون متأسفانه این سیاست خارجی دارای قاطعیت ضد امپریالیستی نیست و این نمیتواند مانده گذشته

قابوس از که الهام می گیرد و سرنخ توطنه‌ها کجاست؟

شکل کم‌های گوناگون نظامی-اقتصادی مالی و انسانی ما تندی می‌شده و اینک از آن بی‌نصیب مانده‌اند. همه اینک دست اندر کار تحریک و تخریب حلقه جنبش انقلابی مردم ما شده‌اند.

آنچه ناگفته و نمانده به دست سر نخ این تحریکات است که در واشنگتن توان دیدش، آنجا که امپریالیسم یانکی و صهیونیسم در سولگ باخته‌های کمر شکن اقتصادی و استراتژیک خود در قلب خاور میانه - ایران - نشسته‌اند.

بنا بر این می‌بایست انتظار داشت که در منطقه تلاشها و تحریکات مذبحانه‌ای از طرف نوچه‌ها و کوچک ابدال‌های امپریالیسم و صهیونیسم نیز علیه جنبش انقلابی مردم ما بعمل آید.

یکی از این نوچه‌ها و کوچک ابدالها

انقلاب توفان گونه مردم ما که ضرباتی سهمگین بر ریشه استعمار و استثمار غارتگرانه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکه، وارد آورد، طبعاً می‌بایست دشمنانی در میان امپریالیست‌ها و عمال و ایادی آنها در منطقه داشته باشد. خوان بنامی که همه جهان خوردن آزمتد و عمال آنها در لقمه‌های چرب نفت و سایر منابع سودزای آن به حساب مردم، فقیر گرسنه و محروم سهم‌های کلان می‌بردند، بر چیده‌شد و ناصحنی موجبات قطع این غارتگرها فراهم آمد.

سرمه‌داران آن دسته از مقامات ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در منطقه، که به دستور اربابان مافوق باجبار می‌بایست به اشکالی گوناگون - چه به صورت دریافت وام‌های چند صد میلیون دلاری و چه به

ارتش مستقل و مردمی، ملی و دموکراتیک بپردازد. چرا که او نیز در تدوین مبنای این نوسازی و ستمگیری آن «ناروشن» است. در این دو مسئله مهم و حیاتی برای سرنوشت انقلاب ایران است.

رئیس ستاد بدرستی می‌گوید که وظیفه ارتش باید دفاع از مرزهای کشور باشد، یعنی ملی باشد و ارتش باید خلقی و مردمی یا دموکراتیک باشد. یعنی با مردم و همراه مردم از دستاوردهای انقلاب دفاع کند، در خدمت پیشرفت انقلاب باشد.

انقلابی بودن، نه تنها یک شیوه اندیشه، بلکه همچنین یک شیوه عمل است

انسان) میتواند مجاز شمرده شود. ولی آیا برای کسانی که خواستار ایجاد یک نظام انسانی و عادلانه هستند، میتواند چنین شیوه آلوده و ناپسندی مجاز شمرده شود؟

یا مثلا سوداگری بزرگ بورژوازی اسلوب خود را بنام «پراگماتیسم» بوجود آورد که شاید بتوان آنرا «عمل گرائی» یا «مصلحت گرائی» ترجمه کرد.

موافق این اسلوب، اساس آنست که اسلوب کار شما ثمر بخش و کارا باشد. کارائی. ملاک صحت عمل است و نه انطباق آن عمل با موازین شرف و وجدان انسانی.

روشن است که ما نیز به کارائی معتمدیم. عمل باید ثمر بخش، نتیجه‌ساز و پرحاصل باشد. تلاش عبث و رفع تکالیف نباشد. ولی آیا میتوان کارائی را با موازین انسانی و حزبی صحیح جور ساخت؟ آری میتوان! ولی برای اینکار باید عنایت، وقت و توجه بکار برد. یعنی از ساده‌ترین راه نرفت، بلکه کوشید تا آنچه شیوه عملی بدست آید که هم کارا باشد، هم موافق موازین اخلاق و شرف و وجدان انقلابی.

برخی‌ها می‌گویند: «موازین اخلاق انقلابی» - حرف انتزاعی و مجردی است. هر چیز که به کار انقلابی سود برساند، خوب است! اگرچه «اخلاق موضوعه» یعنی قوانین متداوله اخلاق آنرا رد کنند و بد بدانند. برعکس، هر چیز که نتواند بکار سود رساند، بد است. اگرچه «اخلاق موضوعه» آنرا تقبیح کنند.

این طرز قضاوت، که برخی بازمین گریبان (مانند فیلسوف مردد فرانسوی رژه گاردوی) روی آن اصرار داشتند و اسلوب خود را «اخلاق واضحه» نام

انقلابی بودن، نه تنها یک شیوه اندیشه، بلکه همچنین یک شیوه عمل است

برخی از انقلابیون تصور می‌کنند که اگر جهان بینی و شیئی انقلابی را بپذیرند و بان ایمان آورند و در راه آن مبارزه کنند، دیگر نقشی از جهت انقلابی بودن ندارند.

در واقع هم ایمان به اصول جهان بینی انقلابی طبقه کارگر و عمل به آن، شروط اساسی برای انقلابی بودن است. ولی این سؤال پیش می‌آید: «عمل به شیوه»

شیوه یا امیک در عمل، مانند منطق در تفکر و ثوق در امور هنری، دارای اهمیت فوق‌العاده است. اگر شیوه عمل فرد انقلابی ناشی از جهان بینی انقلابی او نباشد، بلکه ناشی از سیمبندیهای دیگر تفکر غیر انقلابی و غیر پرولتری باشد، نقائص شکفتن در کار پدید می‌آید.

مثلا دیپلماتی بورژوازی، موافق شیوه هدفها توجیه کننده و وسایل‌انده عمل می‌کند. یعنی همینکه شما به صحت هدف خود باور داشتید، دیگر مهم نیست که برای نیل بدان هدف، چه شیوه‌ها و وسایلی را بکار خواهید برد. در عرف سیاسی، این شیوه عمل را «ماکیاولیسم» مینامند. مطابق اسلوب ماکیاولیستی عمل، همه چیز برای نیل به هدف مجاز است؛ دروغ، فریب، توطئه، قسوت، نقض موازین وجدانی و اخلاقی تا حد ایجاد مفسده‌های خونین - همه رجه چیز روا است، برای آنکه شما بهدف خود برسید!

آیا ما توده‌ها با شیوه ماکیاولیستی عمل موافقیم؟ نه! ایدها مارکس صریحاً می‌گوید: به هدف‌های شریف، تنها بکمک وسایل شریف میتوان رسید. شیوه ماکیاولیستی عمل برای بورژوازی، که هدفش غیر شریف است (بهره‌کشی

یادرفیق عزیز یوسفی گرامی باد

۱۵ خرداد، یک سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت. سال پیش، در چنین روزی، رفیق یوسفی، که ۱۴ ماه بیشتر نبود از زندان شاه آزاد شده بود، تا کربان در قهرمان درگذشت. یک روز این قهرمان توده‌ای، که ۱۸ سال از زندانی به زندانی دیگر تبعید شد و ۱۸ سال استوار و دلدار، وفادار به آرمان های حزب ما و زحمتکش ایران در زندان ها بازمیز شد. زهد، آخرین مدیه نظام آریامیری به او بود.



رفیق فقید عزیز یوسفی

شرایط دشوار زندان ابتدا او را به عوارض قلبی و ریوی مبتلا کرد و بی‌اعتنایی دژخیمان شاه مخلوع، این بیماری را چنان دراز ریشه‌دار کرد که در ۵۱ سالگی چشم‌های رفیق قهرمان ما را بر جهان بست.

رفیق عزیز یوسفی در زندان‌های شاه خائن، مظهر وفاداری به آرمان های خلق و حزب ما بود. او همیشه می‌گفت: «ما هزاران نفر بودیم. هزاران نفر از ما شهید شدند و پدر زندان‌ها پوسیدند. هزاران نفر از ما به میدان مبارزه پشت کردند. هزاران نفر در نیمه‌راه ماندند. اما هنوز هزاران نفریم، حزبی با این همه شهبود تاریخ و ماجرا، با این همه سخت جانی و نیروی حیات و مقاومت، نمی‌تواند بیروز نشود. اگر همه جهان دروغ باشد، این حقیقت دروغ و افسانه نیست...»

انقلاب مردم را آزاد کرد. او در میان مردمش خاموش شد. دژخیمان شاه مخلوع حتی از برگزاری مجلس ختم این توده‌ای قهرمان جاوگیری کردند. اما خلق کرد، مراسم تشییع جنازه او را به تظاهرات وسیعی بدل کرد. که در آن راه حزب عزیز، راه تابناک توده‌ها، راه مبارزه باستم و استثمار در خشم و خروش توده‌ها تالیف شد. تابناک باد خاطره رفیق قهرمان توده‌ای عزیز یوسفی، رفیقی که به صف شهدای حزب توده ایران پیوست.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هوطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. لذا کاری-های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلن ۹۳۴۵۹۹، ۹۳۴۵۹۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۳۳۳، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق